



سوره مبارکه یونس

جلسه هشتم: ۹۲/۹/۱۳

- حضرت علامه آیات ۷۵ تا ۹۳ را دسته نهم در نظر گرفته‌اند:

دسته نهم آیات ۷۵ تا ۹۳:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَ كَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ (۷۵) آن‌گاه از پی آنان موسی و هارون را با آیات خویش به سوی فرعون و اشراف او فرستادیم، ولی آنها بزرگی کردند و قومی عصیانگر بودند.
فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ (۷۶) پس چون حق از نزد ما سويشان آمد، گفتند: به راستی این جادویی آشکار است.
قَالَ مُوسَىٰ أَ تَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أ سِحْرٌ هَذَا وَ لَا يَفْلِحُ السَّاحِرُونَ (۷۷) موسی گفت: آیا در باره‌ی حق، اکنون که برای شما آمده می‌گویید: [این سحر است؟] در حالی که ساحران رستگار نمی‌شوند.
قَالُوا أَ جِئْنَا لِنُلْفِتِنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَ تَكُونُ لَكُمُ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَ مَا نَحْنُ بِمُؤْمِنِينَ (۷۸) گفتند: آیا به سوی ما آمده‌ای تا ما را از آیینی که پدرانمان را بر آن یافته‌ایم بازگردانی و در این سرزمین بزرگی مخصوص شما دو تن باشد؟ و ما هرگز به شما ایمان آور نیستیم.
وَ قَالَ فِرْعَوْنُ أَ اتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ (۷۹) و فرعون گفت: همه جادوگران دانا و ماهر را پیش من آرید.
فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرَةَ قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ أَ اتُّمُ الْمُتَّقُونَ (۸۰) و چون جادوگران آمدند، موسی به آنها گفت: آنچه قرار است بیفکنید، بیفکنید.
فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ (۸۱) چون بیفکندند، موسی گفت: آنچه آورده‌اید جادوست و خدا به زودی باطلش می‌کند که خدا کار مفسدان را به سامان نمی‌رساند.
وَ يُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (۸۲) و خدا با کلمات خویش حق را تثبیت می‌کند، هر چند مجرمان خوش نداشته باشند.
فَمَا آمَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِمْ أَنْ يُقْتَلُوا فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ (۸۳) و جز گروهی از فرزندان قوم موسی به او ایمان نیاوردند، آن هم با ترسی از فرعون و اشراف وی که مبدا عقوبتشان کند. به راستی فرعون در [آن] سرزمین خیلی سرکش و از افراطکاران بود.
وَ قَالَ مُوسَىٰ يَا قَوْمِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُّسْلِمِينَ (۸۴) و موسی گفت: ای قوم من! اگر به خدا ایمان آورده‌اید، فقط بر او توکل کنید اگر سر تسلیم دارید.
فَقَالُوا عَلَىٰ اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۸۵) گفتند: تنها بر خدا توکل کردیم. پروردگارا! ما را مایه آزمون و آزار قوم ستمگر قرار مده.
وَ تَجَنَّبَا رَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۸۶) و ما را به رحمت خویش از قوم کافر رهایی بخش.
وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَ أَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بَيْوتًا وَ اجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (۸۷) و به موسی و برادرش وحی کردیم که برای قوم خود در مصر خانه‌هایی ترتیب دهید و خانه‌های خویش را [به خاطر امتیّت] رو به روی هم قرار دهید و نماز برپا دارید و مؤمنان را مژده ده.
وَ قَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَ مَلَآءَهُ زِينَةً وَ أَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوَا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَ اشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوُا

و موسی گفت: پروردگارا! تو فرعون و مهترانش را در زندگی دنیا زینت و مال و منال داده‌ای، پروردگارا، تا [بندگان را] از راه تو گمراه کنند. پروردگارا! اموالشان را نابود و دل‌هایشان را سخت گردان که ایمان نیاورند تا عذاب دردناک را ببینند.

قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۸۹)

فرمود: دعای شما دو تن اجابت شد، پس استقامت کنید و به راه جاهلان نروید.

وَ جَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَ جُنُودُهُ بَغِيًّا وَ عَذْوًا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتَ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۹۰)

و بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم. پس فرعون و سپاهش از سر ظلم و تجاوز آنها را دنبال کردند، تا چون غرق شدنش در رسید، گفت: ایمان آوردم که هیچ معبودی نیست جز همان که بنی اسرائیل به او ایمان آوردند و من از تسلیم شدگانم.

الآن وَ قَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَ كُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (۹۱)

آیا حالا [ایمان می‌آوری؟] در حالی که پیش از این نافرمانی کردی و از تباہکاران بودی.

فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةً وَ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ (۹۲)

ما امروز پیکرت را [از آب] می‌رهانیم تا عبرت آیندگان شوی، و همانا بسیاری از مردم از آیت‌های ما بی‌خبرند.

وَ لَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مُبَوَّأً صِدْقٍ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۹۳)

به راستی ما بنی اسرائیل را در جایگاهی راستین و شایسته جای دادیم و از نعمت‌های پاکیزه روزیشان کردیم پس آنها اختلاف نکردند مگر پس از آن که علم برایشان حاصل شد. همانا پروردگار تو روز قیامت در باره‌ی آنچه اختلاف می‌کردند میانشان حکم خواهد کرد.

- آیه ۷۵: داستان حضرت موسی داستان بسیار کامل و مهمی برای بیان مباحث مطرح شده در آیات قبلی است.

- حضرت موسی و حضرت هارون همان کسانی هستند که به آنها وحی می‌شود، کسی آنها را جدی نمی‌گیرد و آمده‌اند تا برای «الذین آمنوا» بشارت باشند تا «الذین آمنوا» به قدم صدق برسند. غفلت قوم از آیات الهی و زمینه‌های غفلت از آیات الهی در اجتماع است.

- اجتماع فرعون از پیچیده‌ترین نوع باطل است. به خصوص در سوره مبارکه هود این مسئله بسیار نمود دارد. دستگاه فرعون باطلی کاملاً پیچیده است که «جنود»، «اصحاب»، «آل» و ... دارد. دارای سیستم وزارت است. دارای سیستم علمی (سخره) است و سیستم اقتصادی بسیار قدرتمند دارد.

- پیچیدگی غفلت از آیات را هنگامی که حکومتی شود، در فرعون می‌توان مشاهده کرد.

- مقابله آنها در برابر حضرت موسی (ع) اعم از استدلال‌ها و نحوه مقابله و عبارت‌هایی که به کار می‌برند نسبت به اقوام دیگر، کاملاً پیچیده و حرفه‌ای است.

- آیه ۷۷: یکی از کلید بحث‌های سحر در این آیه آمده است.

- «سحر» ابزار تخصصی ایجاد غفلت نسبت به آیه است. به عبارت دیگر سحر یعنی ابزاری که به صورت کاملاً سیستماتیک برای دوری انسان از عقلانیت و ندیدن وجه ثابت برای هر چیز و ندیدن وجه آیه هر چیز مورد استفاده قرار می‌گیرد و مطلق عام است. سحر فقط چیزهای ماوراء الطبیعه نیست. بلکه یکی از ابزارهای سحر، مسائل ماوراء الطبیعه است.

- یکی از ابزارهای مهم سحر در دنیای امروز «رسانه» است.

- رسانه مثال بسیار خوبی برای «سحر» است.

- باطل برای گسترش حق، «رسانه» را به کار نمی‌گیرد. «رسانه» ابزاری است که باورهای خود را در بین مردم شیوع می‌دهد.

- هر کدام از ابزارها و تکنولوژی‌ها برای غرض خاصی ساخته می‌شوند.

- بعضی از این ابزارها آنچنان مُندک در غرض هستند که به هیچ‌وجه نمی‌توان آنها را پالایش کرد.

- توجه: ابزارهای سحر، با خود سحر، متفاوت است. خود سحر همیشه منفی است ولی ابزارهای سحر این‌گونه نیست زیرا ممکن است دستگاه توحید آنها را استحاله کند و در جهت مثبت به کار گیرد.

چند گزاره مهم:

نکته ۱- «سحر» یعنی فرآیندی که طی آن حس بر عقل غلبه می‌کند و فرد توان آیه‌بینی را از دست می‌دهد.

نکته ۲- بر اساس این تعریف سحر، دامنه بسیار وسیعی دارد. بنابراین سحر صرفاً محدود به یک سری مسائل ماوراء الطبیعه نیست.

نکته ۳- سحر، ابزارهای متعددی دارد که این ابزارها می‌توانند مادی و غیر مادی باشند.

نکته ۴- در دنیای امروز، سحر با ابزارهای مادی رایج است.

نکته ۵- سنگین‌ترین نوع سحر، سحر ساختاری است یعنی سحری که ابزار و استفاده آن را به فرهنگ حکومتی انسان‌ها تبدیل می‌کند که هیچ‌کس نتواند خارج از آن فکر کند و هیچ‌گاه به غلط بودن آن فکر نکند.

نکته ۶- قرآن کریم فرموده است: «سحر هیچ امکان فلاحی ندارد و حتماً انسان را به تباهی می‌کشاند، ولو اینکه فرد محتوا را عوض کند. حتی موضوعاتی که مثبت هستند اگر در آنها هم اگر غلبه حس بر عقلانیت اتفاق بیفتد و عقل و آیه‌بینی تعطیل شود، از جنس سحر هستند و حتماً به نتیجه نخواهد رسید.

نکته ۷- خداوند برای مقابله با سحر، دستگاهی را به انبیاء و انسان می‌دهد که امکان تأثیرگذاری سحر را می‌گیرد. یعنی خداوند قبل از اینکه بخواهد ساحر را زمین بزند، سیستم نفوذ سحرش را می‌بندد. به عبارتی خداوند درهای ورودی سحر را به روی انسان و جامعه می‌بندد. خدا برای نزول امر، ابتدا ورودی‌های انسان را کنترل می‌کند و اجازه ورود سحر را نمی‌دهد.

- زیرا سحر از وهمیات است و وهم در برابر گزاره‌های کلی و عقلی یارای مقابله ندارد. بنابراین خداوند جنگ را به جایی می‌کشاند که حتماً سحر مقلوبه می‌شود.

- در درگاه ورودی انسان، «سحر» یک گزاره وهمی است. به همین علت خداوند در درگاه ورودی انسان سیستمی قرار داده که هرگاه گزاره‌ای وهمی باشد به انسان گفته تا اجازه ورود به آن ندهد. لذا آن مسئله در چشم انسان از هیمنه می‌افتد و سپس به انسان می‌گوید: «پس نگذار وارد شود».

- اگر خانواده‌ای این سیستم را در درگاه ورودی خود نصب کند، اگر دشمن تمام تلاش خود را هم بکند ذره‌ای انحراف نمی‌تواند در آن خانواده ایجاد کند زیرا درگاه ورودی اعضای آن خانواده تحت کنترل است.

- این‌ها گزاره‌های وهمی است در حالی که گزاره‌هایی که از سمت خداوند می‌آید صد درصد عقلی و کلی است.

- باطل هیچ‌گاه نمی‌تواند گزاره کلی بسازد.

مثال:

گزاره وهمی: «دروغ در این مورد نجات است».

باطل نمی‌تواند بگوید: «دروغ همیشه و همه‌جا نجات است».

گزاره کلی خدا: «صدق در عالم، همیشه باعث نجات است».

- نفوذ نیروهای ماوراءالطبیعه مانند جادو و سحر به درون انسان فقط با اجازه انسان اتفاق می افتد.
 - نیروهای ماوراءالطبیعه ممکن است جسم کسی را بیمار کنند ولی نمی توانند به درون او نفوذ کنند.
 - همان طور که نیروهای ماوراءالطبیعه جسم کسی را می توانند مریض کنند، می توانند جسم دیگری را خوب کنند. لذا مطلق دعانویسی اشکال ندارد اما فرهنگ مراجعه به دعانویسی فرهنگ اهل بیت نیست. اینکه بخواهیم به جای همه ابزارآلات طبیعی دعانویسی را به کار بگیریم، این فرهنگ اهل بیت نیست.
 - اهل بیت برای مداوای بیماری ها یک سری نسخه های عمومی دارند و مردم را به همان نسخه های عمومی ارجاع می دهند.
 - خواندن قرآن، علم انسان را نسبت به همه شئون بالا می برد که اصلاً امکان وسوسه کردن فرد نیست. مثال: ما هرگز برای کشتن کسی وسوسه نمی شویم زیرا در این مورد علمان یقینی است.
 - انسان تا وقتی وسوسه می شود، علمش یقینی نشده است.
 - نکته: برای مقابله با نیروهای غیبی منفی یکی از کارهایی که انجام آن بسیار مفید است پخش صوت قرآن در خانه است.
 - آیه ۷۸: گزاره ساحران گزاره ای وهمی است و گزاره حضرت موسی کلی و عقلی است.
- ساحران می گویند:

✓ گزاره وهمی: تو آمدی که ما از مسیر آبائمان برگردیم؟

✓ گزاره وهمی: تا خودت حاکم شوی؟

حضرت موسی می گوید:

✓ گزاره عقلی: شما می خواهید با حق مقابله کنید، هیچ گاه سحر پیروز نخواهد شد.

- گزاره حضرت موسی یک گزاره کلیه قطعی است در حالی که باطل گزاره هایش «جزیی» است.

- آیات ۷۹ تا ۸۷:

- نمونه ای از آیات قبل در این آیات اتفاق می افتد. جدالی بین فرعون، حضرت موسی و تابعین این دو اتفاق می افتد. عده ای به دلیل ایمانشان و رفع غفلتشان با حضرت موسی همراه می شوند. اینها به خدا توکل می کنند و طبیعتاً فرعون و دستگاهش شکست می خورد. در نتیجه خدا آنها را نجات می دهد.

- حضرت موسی به مؤمنان «بشارت» می دهد. (وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ). اینکه آنها از دست فرعون نجات پیدا می کنند و فرصت پیدا می کنند که سرزمینشان را بسازند بشارت است بر اینکه بالاخره مبارزات آنها جواب می دهد و بالاخره آنها پیروز شدند.

- آیات ۸۹ تا ۹۲: افراد ظالم وقتی هنگام مرگشان فرا می رسد چون همه گزاره هایشان وهمی است به غلط کردن می افتند و زیر همه چیز می زنند اما انسان های در راه حق اینچنین نیستند.

- «فرعون» نمادی از باطل است. امروزه تمام دستگاه های استکباری نوعی فرعون محسوب می شوند.

- خدا بعد از هلاکت فرعون در رود نیل بدن او را سالم نگه داشت و روی آب آورد تا مردم ببینند عاقبت او چه شد.

- ایمانی که فرد هنگام رسیدن مرگش می آورد و به اصلاح غلط کردن می افتد، هیچ فایده ای برایش ندارد.

- آیه ۹۳: ماجرای قدم صدق دوباره در این آیه تکرار شده است. همه این ماجراها اتفاق افتاد تا اهل ایمان قرار بگیرند در جایگاه صدق که منطبق با واقع، حقیقت و همه هستی است. مستضعفین امام جامعه شوند. حق حاکم شود و طبیات رزق آنها شد.

- فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ: اما بعد از همه این اتفاقات ماجرای کشتی نوح (ع) و حضرت سلیمان (ع) و همه آن جاهایی که انبیاء غلبه کردند و حال که باید حکومت می کردند وقتی دستورات خدا و بایدها و نبایدها آمد تازه اختلافات آنها شروع شد.

زنگ دوم:

- حضرت علامه آیات ۹۴ تا ۱۰۳ را یک دسته در نظر گرفته اند و آیات ۱۰۳ تا ۱۰۹ را دسته آخر در نظر گرفته اند:

دسته دهم و یازدهم آیات ۹۴ تا ۱۰۹:

فَإِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (۹۴)
و اگر در آنچه به سوی تو نازل کرده ایم تردید داری، از آنها که کتاب [آسمانی] پیش از تو را می خوانند سؤال کن، [بدان که] حق از جانب پروردگارت به سوی تو آمده است، پس از تردید کنندگان مباش.
وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونُوا مِنَ الْخَاسِرِينَ (۹۵)
و از کسانی که آیات خدا را تکذیب کردند مباش که از زیانکاران می شوی.
إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ (۹۶)
همانا کسانی که سخن پروردگارت (وعده ی عذاب) در باره ی آنها تحقق یافته است ایمان نمی آورند،
وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۹۷)
گرچه هر گونه معجزه ای برایشان می آمد [ایمان نمی آوردند] تا این که عذاب دردناک را ببینند.
فَلَوْ لَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمٌ يُوَسَّسُ لِمَا أَمَنُوا كَسَفْنَا عَنْهُمْ غِظَابَ الْجَزَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ (۹۸)
چرا هیچ شهری نبود که [به موقع] ایمان بیاورد تا ایمان او سودش دهد؟ مگر قوم یونس که وقتی ایمان آوردند عذاب خواری را در زندگی دنیا از آنها برداشتیم و تا مدتی [از زندگی دنیا] برخوردارشان کردیم.
وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا فَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (۹۹)
و اگر پروردگار تو می خواست، قطعاً کسانی که در زمین اند همه آنها یکسره [به اجبار] ایمان می آوردند. حال آیا تو مردم را مجبور می کنی که مؤمن شوند؟
وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُوْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ يَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (۱۰۰)
و هیچ کس را نرسد که جز به اذن [و توفیق] خدا ایمان بیاورد، و [خدا] پلیدی را بر کسانی می نهد که نمی اندیشند.
قُلْ أَنْظَرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَ الذُّرُّ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰۱)
بگو: بنگرید که در آسمانها و زمین چه [آیت] هاست، ولی این آیتها و هشدارها قومی را که ایمان نمی آورند سود نمی بخشد.
فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ (۱۰۲)
پس آیا آنها جز نظیر سرگذشت کسانی را که پیش از آنها در گذشتند انتظار می برند؟
ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ (۱۰۳)
سپس [هنگام نزول عذاب] فرستادگان خود و کسانی را که گرویده اند نجات می دهیم، زیرا بر عهده ی ماست که مؤمنان را نجات دهیم.
قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَقَّأَكُمْ وَ أَمَرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۰۴)
بگو: ای مردم! اگر در دین من تردید دارید، [بدانید که] من آنهایی را که جز خدا می پرستید نمی پرستم، بلکه خدایی را می پرستم که جان شما را می ستاند و فرمان یافته ام که از مؤمنان باشم.
وَ أَنْ أَمِّمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۰۵)
و [به من امر شده] که با گرایش به حق به این دین روی آور و هرگز از مشرکان مباش.
وَ لَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَ لَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنَ الظَّالِمِينَ (۱۰۶)

و جز خدا چیزی را که سود و زیانی به تو نمی‌رساند مخوان، که اگر چنین کنی، در آن صورت قطعاً از ستمکارانی.

وَ إِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَ إِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ (۱۰۷)

و اگر خدا زیانی به تو برساند، هیچ کس جز او برطرف کننده‌ی آن نیست، و اگر برای تو خیری بخواهد، کرم او را هیچ بازدارنده‌ای نخواهد بود. آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌رساند، و او آمرزنده‌ی مهربان است.

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ (۱۰۸)

بگو: ای مردم! پیام حق از جانب پروردگارتان برای شما آمده است. پس هر که هدایت پذیرد تنها به سود خویش هدایت می‌شود و هر که گمراه شود فقط به زیان خود گمراه می‌گردد، و من بر شما نگهبان نیستم.

وَ اتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِنْ كُنْتَ مِنْهُمْ فَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَخُذَكَ اللَّهُ وَ هُوَ خَيْرٌ لِّالْحَاكِمِينَ (۱۰۹)

و از آنچه بر تو وحی می‌شود پیروی کن و صبور باش تا خدا داوری کند، و او بهترین داوران است.

- آیات انتهایی سوره حکم جمع‌بندی سوره را دارد.

- آیه ۹۴: روی سخن این آیه مردم است. یکی از وجوه شک داشتن، آیه ۲ است یعنی اینکه چنین حرف‌هایی را که پیامبر (ص) می‌زند برای آنها شک برانگیز است. برای آنها مانند این است که کودکی حرف‌های بزرگی بزند و آنها طبق نظام خودشان، انتظار ندارند پیامبر چنین حرف‌هایی بزند. خدا به آنها می‌گوید: «به کتب قبلی مراجعه کنید کسی این سخنان را می‌گوید که آن کتب را نخوانده است و امی است اما این حرف‌ها با آن سخنان انطباق دارد».

- شعار اهل کتاب این بود که ویژگی‌های پیامبر بعدی در کتب ما آمده است و ما منتظر آمدن اویم.

- آیه ۹۵: اینها در واقع آیات را تکذیب می‌کنند. به آنها هم غیر مستقیم می‌گوید که اگر فهمیدید او پیامبر خداست ولی شک کردید از خاسرین خواهید بود. در واقع آنها نمی‌خواهند بپذیرند و مشکل، شک داشتشان نیست.

- آیه ۹۶: حتی اگر کلمه حق محقق شود آنها نمی‌پذیرند و ایمان نمی‌آورند.

- مشکل افراد در پذیرش نبوت انبیاء، مشکل «مصادق» و «پذیرفتن فرد نبی» و «تشخیص نمی‌دهیم» و «شک» نیست، بلکه آنها زیر بار حکومت حق نمی‌خواهند بروند مانند فرعون که حکومت موسی (علیه‌السلام) را نمی‌خواهد بپذیرد.

- آیه ۹۷: همه آیات را هم بیاوریم آنها باز هم عذاب می‌شوند زیرا دستگاه آیه‌بینی آنها تعطیل شده است.

- آیه ۹۸: اولاً: ایمان قریه مهم است. زیرا «ایمان» هم فردی است و هم اجتماعی. بعضی از قوانین الهی در صورتی محقق می‌شود که «جامعه» ایمان بیاورند. به همین علت سلامت و «ایمان جامعه» مهم است زیرا بعضی از تأییدات و نصرت‌های الهی در صورت ایمان جوامع به دست می‌آید نه ایمان افراد. ثانیاً وجود مقدس حضرت یونس در این آیه مطرح شده است، حضرت یونس (ع) تنها نبی‌ای بود که قومش نجات پیدا کردند. حضرت یونس مجبور به ترک قومش شد اما در بین قوم افرادی داشت که فهمیدند عذاب می‌خواهد نازل شود و قوم را از غفلت خارج کردند. چون این آیه جزء آیات انتهایی سوره مبارکه یونس (ع) است، نشان می‌دهد حضرت یونس (ع) آیه‌بینی را در بین قوم خود فعال کرده بودند. البته به این معنا نیست که انبیاء دیگر این کار را نکردند بلکه منظور این است که حضرت یونس موفق به این کار شدند در حالی که اقوام دیگر وقتی عذاب نازل می‌شد نمی‌فهمیدند عذاب است و باز هم از کارهای خود دست برنمی‌داشتند در حالی که قوم حضرت یونس (ع) فهمیدند که قرار است عذاب نازل شود توبه کردند و دست از کارهای خود برداشتند به همین علت عذاب نازل نشد و آنها نجات پیدا کردند.

- مؤلفه‌های بیان شده در سوره مبارکه یونس برطرف کننده عذاب از یک جامعه است.

- توجه: حضرت یونس و قومش هر دو مهم هستند. فقط نباید حضرت یونس (ع) را به تنهایی تحسین کرد. زیرا قوم حضرت یونس (ع) نیز نگذاشتند همه‌المان‌های غفلت از آیات در آنها جاری شود. لذا فهمیدند اتفاقاتی که می‌افتد به خاطر فقدان نبی است و هنگامی عذرخواهی کردند که عذاب نازل نشده بود.

- آیات سوره یونس (ع) مؤلفه‌های قوم حضرت یونس (ع) هستند که حداقل فرد را از عذاب و خزی دور می‌کند.

- آیه ۹۹: این آیه جواب سؤالِ عده‌ای است که می‌گویند: «چرا باید این همه سختی بکشیم و آیه‌بین باشیم و ... آیا نمی‌شود خدا همه را همین‌طوری مؤمن کند؟» خدا در جواب این سؤال می‌گوید: اگر می‌خواستیم این کار را می‌کردیم که همه افراد را به ایمان آوردن مجبور کنیم تا همه افراد روی کره زمین مؤمن شوند. اما ایمان با «کراهت» جور نیست. ایمان بناست مورد پذیرش انسان‌ها قرار گیرد نه اینکه شما او را مجبور کنید.

- بنابراین لازمه هر امر به معروف و نهی از منکر، معروف کردن معروف و منکر کردن منکر است تا ابتدا کراهت آن از بین برود و سپس امر و نهی صورت گیرد.

- توجه: «کراهت» با «سخت‌بودن» متفاوت است. مثلاً فردی که معروف، برایش معروف شود هنگام برخاستن برای نماز صبح کراهت ندارد بلکه برایش سخت است.

- توجه: مسئله «کراهت نداشتن» در تعلیم، تبلیغ و ترویج بسیار مهم است. باید کاری کنیم تا دین برای کودکان کراهت نداشته باشد.

- آیه ۱۰۰: مؤمن شدن افراد هم به اذن خداست. یعنی به عبارتی بهتر، «مؤمن شدن»، همراهی خدا را احتیاج دارد.

- همه پلیدی‌ها در عالم، حاصل عدم تعقل است و سحر که حاصل عدم تعقل است، مولد پلیدی‌ها می‌شود. (وَ يَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَيَّ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ)

- «رجس»، مطلق پلیدی است اما پلیدی‌ایست که حاصل از عدم عقلانیت است. در سوره مبارکه احزاب داریم که «رجس را از اهل بیت دور گردانیدیم» و این نشان می‌دهد که اهل بیت تجلی کامل عقلانیت هستند.

- برای هر کسی بسیار واضح است که «گناه» پلیدی است بنابراین هر انسانی به هر اندازه‌ای که گناه می‌کند تعقل ندارد.

- آیه ۱۰۱: نظر کردن در خلق و ایمان باعث می‌شود آیات و انذارهای انبیاء برای ما مؤثر واقع شوند.

- آیه ۱۰۲: از سخت‌ترین عبارتهایی که انبیاء ممکن است به کسی بگویند این است: «تو راه خودت را برو و ما هم راه خودمان را می‌رویم». یعنی نبی راه خود را از آن فرد جدا می‌کند. انسان باید تعقل کند، چون اهل بیت رجس ندارند پس اهل تعقل‌اند. بنابراین افراد باید با تعقل کردن، راهشان را به انبیاء و اهل بیت نزدیک کنند.

- آیه ۱۰۳: خدا بر خودش واجب کرده است مؤمنین را تحت هر شرایطی نجات دهد و این وعده بلندی است برای تمام کسانی که در مسیر ایمان در تمام عالم حرکت می‌کنند.

- آیات ۱۰۴ تا ۱۰۹: این دو آیه جمع‌بندی سوره مبارکه یونس (ع) هستند.

- از ابتدای سوره یونس گفته شد: باید بپذیریم که ممکن است مردی در کنارمان باشد و به او وحی شود. در تمام سوره بر سر این مطلب بحث و گفتگو شد. حالا اگر هم کسی نمی‌خواهد وحی شدن به رسول را بپذیرد، با خودش بیندیشد که مگر رسول چه سخن غیر حقی می‌زند که برای او گران می‌آید. رسولان الهی می‌گویند:

- ✓ غیر خدا را عبادت نکنید.
- ✓ من امر شدم به اینکه مؤمن باشم.
- ✓ ای مردم اهل شرک نباشید.
- ✓ ای مردم کسی را نخوانید که برایتان نه نفع دارد و نه ضرر.
- ✓ ای مردم اهل ظلم نباشید.
- ✓ مردم، خدا همه چیز را می‌تواند انجام دهد.

- آیا محتوای این سخنان چیزی است که نتوانید بپذیرید؟؟!!!! آیا با حرف‌های او مشکل دارید و یا با خود او؟

- اگر با حرف‌هایش مشکل دارید پس بهانه نکنید که چرا او این سخنان را می‌گوید و چرا به او وحی می‌شود!!

- همه حرف خدا در این سوره در آیه ۱۰۸ جمع شده است:

آی مردم، حق از جانب ربّ به شما رسید. آنچه که باید می‌شنیدید، من گفتم. آنچه که گفتم هم اصلاً عجیب و غریب نیست. همان چیزهایی را گفتم که در فطرتان بود، من متذکر شدم. هرکس گوش دهد به نفع خودش است و هر کس گوش ندهد به ضرر خودش است. کارهای شما هیچ نفع و ضرری برای من ندارد. نه خوب شدنتان و نه بد شدنتان.

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ (۱۰۸)

خدا هم به پیامبر می‌گوید: ای پیامبر تو تبعیت کن از همان وحی‌ای که به تو شده است و بر این ماجرا صبر کن. هنگام حکم خدا هم می‌رسد. زمانی می‌رسد که عیان شود که آیا آدم‌ها با پیامبر شدن تو مشکل داشتند و یا مشکلشان چیز دیگری است.

وَ اتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِيَّاكَ وَ اصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (۱۰۹)

خدایا!

- ✓ به برکت سوره مبارکه یونس، فرهنگی در زندگی ما جاری کن که حرف حق از زبان هر کسی که خارج می‌شود، برای ما سخت نباشد.
- ✓ و به ما کمک کن که حرف حق را هر کسی زد به ما برنخورد و بریمان مهم باشد به آنها عمل کنیم فارغ از اینکه به کسی که این سخن را می‌گوید وحی می‌شود یا نه.
- ✓ به ما کمک کن تا با خود گزاره‌های حق انس بگیریم و به برکت این گزاره‌ها بتوانیم کسانی که به خاطر آنها این گزاره‌ها نازل می‌شوند را بشناسیم و بتوانیم از وجودشان بهره ببریم.

یا رسول الله دست ما را هم بگیر

اللهم صل على محمد وآل محمد و الحمد لله رب العالمين